

## صدور رشوه خواری خصوصی سازی شرکت های چندملیتی، و رشوه خواری

نوشته‌ی: سو هاوولی<sup>۱</sup>

برگردان: هما احمدزاده

همیشه کسی هست که پول بدهد، و منبع اصلی ارتشا به طور معمول تجارت جهانی است. (جرج سوروس<sup>۲</sup> یک سرمایه‌گذار جهانی).  
در عرض ده سال گذشته رشوه‌خواری گسترش زیادی یافته است. (راقاوان سرینی‌واسان<sup>۳</sup>، مشاور امور تدارکاتی بانک جهانی).  
رشوه‌خواری به مساله‌ی مهم جهانی تبدیل شده و موضوع کنفرانس‌های جهانی، اجتماع سیاسی و سخنرانی‌های دولتمردان را تشکیل می‌دهد. ارتشا همچنین موضوع کنواسیون و موضوع مورد توجه سازمان‌های غیردولتی از جمله ترانسپارنسی اینترنشنال<sup>۴</sup>، بوده است. ارتشا به طور فزاینده به عنوان دلیلی برای توقف کمک خارجی یا حفظ بدهی‌ها مطرح می‌شود. اگر کشوری به خاطر این که رهبران درآمدهای ملی را به حساب‌های بانکی خود سرازیر می‌کنند، توانایی پرداخت بدهی‌های خود را نداشته باشد، به طور حتم افزایش کمک و لغو بدهی تنها مجوز اختلاس بیش تر است.  
بیش‌ترین منتقدان رشوه‌خواری - و مخالفان آن در «حکومت‌های خوب» - در کشورهای در حال توسعه ساکن هستند نه کشورهای صنعتی. و بیش‌ترین بررسی موشکافانه‌ی فرهنگی و سیاسی در جنوب صورت می‌گیرد و نه در شمال. اغلب

---

1. Sue Hawley.

2. George Soros.

3. Raghavan Srinivasan.

4. Transparency International.

به رشوه‌خواری کوچک کارکنان کم دستمزد دولت بیش‌تر توجه می‌شود تا به شرکت‌های بزرگ ثروتمند چند ملیتی. بیش‌تر توجه بر موضوع‌هایی نظیر منابع در حال نابودی است، نه علت‌های به‌وجود آورنده‌ی آن نظیر آزادسازی موسسه‌های دولتی. و بیش‌تر درباره‌ی رشوه‌گیرندگان صحبت می‌شود و نه رشوه‌دهندگان.

کانون توجه باید تغییر کند. اگر ارتشا در سطح جهان گسترش یافته، بیش‌تر به‌خاطر رشد سریع خصوصی‌سازی موسسه‌های دولتی در سراسر جهان بوده است. این فرایند با فشار اعتبار دهندگان و دولت‌های غربی ادامه می‌یابد و به شرکت‌های چندملیتی اجازه می‌دهد با برخورداری فزاینده از بخشودگی مالیاتی عمل کنند. بنابراین شرکت‌های چند ملیتی و دولت‌های غربی حامی آنان و نمایندگانشان در ارتشایی که به‌طور گسترده شمال و جنوب را فراگرفته است نقش دارند. دولت‌های اعتباردهنده و سازمان‌هایی نظیر بانک جهانی و صندوق جهانی پول‌بارها برنامه‌هایی برای «دولت سالم» و ضدفقر را مطرح کرده‌اند، اما رفتارهای آن‌ها حاکی از چیز دیگری است.

اقدام علیه رشوه‌خواری باید با تحریم موثر شرکت‌های چند ملیتی مشارکت‌کننده در ارتشا به‌وسیله‌ی کشورهای در حال توسعه، شفافیت بیش‌تر سیاسی برای از بین بردن محرمانه بودن که در پس آنان ارتشا رشد می‌کند، و مقاومت در مقابل گسترش نسنجیده‌ی خصوصی‌سازی و سیاست‌های اقتصادی نولیبرال همراه باشد.

### جهانی شدن رشوه‌خواری

ارتشا شکل‌های گوناگونی دارد، از رشوه‌گرفتن ساده، یا سو استفاده‌های کوچک از موقعیت که «کار راه‌اندازی» نامیده می‌شود تا جمع‌آوری ثروت‌های کلان از طریق اختلاس و سایر راه‌های نامشروع. ارتشا به شرکت‌های چند ملیتی (به‌ویژه در زمینه‌ی نظامی و خدمات عمومی) این امکان را می‌دهد که قراردادهایی را به‌دست آورند و یا اطلاعاتی را کسب کنند که باعث برنده شدن آنان در مناقصه‌ها می‌شود. شرکت‌های غربی هر ساله مبالغ گزافی رشوه برای نفوذ در دستگاه‌های دولتی یا انعقاد قراردادها می‌دهند. مبلغ این ریشه‌کن کردن ۸۰ میلیارد دلار در سال تخمین زده می‌شود. و این به‌تقریب معادل مبلغی است که

سازمان ملل برای ریشه‌کن کردن فقر در جهان به آن نیاز دارد. در سال ۱۹۹۹ بخش تجاری آمریکا اعلام کرد که در عرض ۵ سال رشوه‌های گوناگون به مبلغ ۱۴۵ میلیارد دلار در ۲۹۴ قرارداد تجاری پرداخت شده است. در سال ۱۹۹۶ مجله‌ی جهان تجارت گزارش داد: رشوه‌ای که به وسیله‌ی شرکت‌های آلمانی پرداخت شده به تنهایی بیش از ۳ میلیارد دلار بوده است.

تنها شرکت‌ها در این مساله نقش ندارند. طبق گزارش سرویس مخفی فرانسه، در سال ۱۹۹۴، موسسه‌ی دولتی اعتبارات صادراتی فرانسه حدود ۲ میلیارد دلار به خریداران خارجی «وسایل دفاعی» رشوه پرداخته است.

این چنین رشوه‌هایی ممکن است در همه جا باشد، اما آشکار کردن آن‌ها کار ساده‌ای نیست. بسیاری از شرکت‌های غربی خود را به طور مستقیم آلوده نمی‌کنند، بلکه به وسیله‌ی نمایندگان محلی خود ۱۰ درصد مبلغ قرارداد را به عنوان «پاداش موفقیت» می‌دهند و این، آن‌ها هستند که به پول، «پول شیرینی» لازم برای پیشبرد قرارداد دسترسی دارند.

رشوه به طور فزاینده‌ای پیچیده تر می‌شود. و بیش تر حالت پاداش‌های نیمه قانونی یا «کمسیون» را به خود می‌گیرد تا قیمت‌ها را زیاد و یا غیرواقعی کند. در قراردادهایی که به وسیله‌ی اعتبارات صادراتی تضمین می‌شود، چنین «پورسانت»هایی در هزینه‌ها حساب شده و این مبلغ به همراه ارزش قرارداد تضمین اعتبار می‌شود. ترانسپرنسی اینترناشنال می‌گوید: روشن است که این مجوزها و تشویق غیرمستقیم به رشوه‌خواری، در آینده آن را چیزی شبیه مشارکت در اعمال جنایی می‌کند. تا چندی پیش ارتش کاری طبیعی به حساب می‌آمد. بسیاری از کشورها از جمله فرانسه، آلمان، و انگلیس به رشوه دهی به عنوان هزینه‌ای برخوردار می‌کردند که می‌تواند برای برخورداری از تخفیف مالیاتی اظهار شود.

### پرداخت هزینه

ارتش دشواری‌های زیادی را برای مسوولان امور عمومی و مردم به وجود آورده است، زیرا خدمات را گران و گران‌تر می‌کند، مانع توسعه می‌شود، و روند دمکراتیک و

تصمیم‌گیری را تخریب می‌کند. مبلغی که به‌واسطه‌ی ارتشا از بین می‌رود، می‌تواند و باید خرج خدمات عمومی، رشد و توسعه‌ی سازمان‌های دمکراتیک شود. ترانسپرنسی اینترناشنال تخمین می‌زند که به‌علت رشوه‌خواری به‌طور متوسط حدود ۵ درصد بودجه‌ی عمومی مورد سواستفاده قرار می‌گیرد.

ارتشا چه در انگلیس باشد، و چه در آفریقا یا آسیا، بیش‌تر و زودتر از همه به‌فقر آسب می‌زند و آن‌ها را فقیرتر می‌کند. رشوه‌خواری چه در اثر رسوایی رهبر شورایی وست مینستر دام شرلی پرت<sup>۱</sup> باشد که خانه‌های عمومی را به‌خاطر رای می‌فروخت (۲۷ ملیون پوند ضرر به‌شورا زد) و چه دله دزدی از کمک‌های انسان دوستانه‌ی انگلستان به‌هند - نخست‌وزیر سابق راجیو گاندی<sup>۲</sup> زمانی به‌پارلمان هند گفت: که تنها ۱۵ درصد کمک‌های ارایه شده به‌آن‌جایی که باید رسیده است. وقتی با پول همه چیز قابل خرید شود، این فقرا هستند که در موقع تصمیم‌گیری به‌بیرون رانده و به‌حاشیه‌ی سیاسی هل داده می‌شوند. پولی که می‌تواند صرف بهبود خدمات و یا سطح زندگی مردم شود، به‌سوی پروژه‌های بزرگ‌گران‌قیمت با پورسانت‌های بسیار بالا می‌رود. این، آن‌ها هستند که به‌خاطر پرداخت رشوه برای ابتدایی‌ترین مایحتاج زندگی با مشکل روبه‌رو می‌شوند، و از پس پرداخت مخارج برنمی‌آیند. همان‌طور که هوگ بی‌لی<sup>۳</sup> یکی از نمایندگان پارلمان انگلیس در سخنرانی‌اش در مجلس عوام اشاره کرد: «هزینه‌ی رشوه پیش از همه بردوش فقرا می‌افتد. وقتی طرف‌های قرارداد در این و یا آن کشور ثروتمند ۱۵ درصد رشوه می‌پردازند، این مقدار را به‌قیمت قرارداد خود اضافه می‌کنند. به‌این ترتیب نیروگاه برق و یا سیستم آبیاری آن‌ها هزینه‌ی بیش‌تری خواهد داشت، و مردم بی‌بضاعت - که خریدار آب و برق برای کارهای روزمره‌ی خود هستند - هزینه‌ی این رشوه‌ها را می‌پردازند. رشوه روش مستقیم انتقال پول از فقرا به‌اغنیاست.

## ارتشا و خصوصی‌سازی در اروپا

کشورهای اروپایی سریع‌تر از بسیاری کشورهای دیگر اقدام به‌خصوصی‌سازی و

---

1. Dame Shirley Porter.

2. Rajiv Gandhi.

3. Hugh Bayley.

کنترات دادن عملیات کردند. سیستم ارتشا در آنجا متمایز و پیشرفته است. انگلیس در این مورد از همه جلوتر است. بزرگ‌ترین منبع ارتشا در انگلیس قراردادهای امتیازهای گسترده‌ی ارابه شده‌ی بخش عمومی به‌بخش خصوصی است که با پرداخت رشوه گسترده‌تر هم می‌شود. طبق تخمین پلیس در سال ۱۹۹۶ صد و سی مورد کلاهبرداری مهم از بخش دولتی صورت گرفته است:

درصد عمده‌ای از موارد رشوه‌خواری در انگلیس با پورسانت قراردادهای مرتبط است. کنترات اجباری به‌وسیله‌ی دولت‌های محلی، و ابتکارات مالی خصوصی<sup>۱</sup> جدید موجب افزایش وحشتناک این نوع دشواری‌ها شده است: کنفدراسیون کارشناسان بخش ساختمان مدعی شده که پرداخت‌های غیرقانونی برای قراردادهای بسیار گسترده است. یکی از گزارش‌ها این نوع هزینه برای صنعت ساختمان را سالانه ۵۳۹ میلیون پوند تخمین زده است.

به‌نظر می‌رسد رشوه برای برخی از شرکت‌های انگلیسی چنان عادی است که آن‌ها افرادی را برای باز پس‌گیری رشوه در صورت حاصل نشدن «سود» قول داده شده استخدام می‌کنند. در ۱۹۹۶ در برنامه‌ی رادیویی بی‌بی‌سی، ونسان کراتو<sup>۲</sup>، بنیان‌گذار موسسه‌ی تحقیقات شرکتی تاکید کرد که کار من کشف رشوه نیست، بلکه پس‌گرفتن رشوه‌هایی است که به‌اقدامات لازم نینجامیده است. زمانی که برای انجام کار معمولی پولی پرداخت شده، اما آن کار صورت نگرفته، ما وارد عمل می‌شویم. شرکت‌ها به‌ما بیش‌تر مراجعه می‌کنند تا پلیس و یا مقام‌های رسمی، آن‌ها می‌گویند «ما مقدار زیادی پول برای انجام کاری داده‌ایم و آن کار صورت نگرفته است. ما یا پول خود را می‌خواهیم و یا آن کار باید انجام گیرد. به‌همین سادگی.»

شرکت‌های چند ملیتی انگلیس به‌طور منظم برای بستن قرارداد با سایر دولت‌ها، کمیسیون می‌پردازند و به‌طور معمول برخی از وزیران دولت انگلیس به‌آن‌ها کمک می‌کنند. جاناتان آیتکن<sup>۳</sup> وزیر پشتیبانی و دفاع، در ژوئن ۱۹۹۹ به‌علت شهادت دروغ در دادگاه به‌زندان افتاد. او شرکت در یک ملاقات خصوصی برای بستن قرارداد خرید

---

1. Privet Finance Initiative.

2. Vincent Carratou.

3. Joathan Aitken.

قطعات نظامی را در دیدارش از فرانسه و سوییس در سال ۱۹۹۳ پنهان کرده بود. سه شرکت انگلیسی (جی ای سی<sup>۱</sup>، مارکونی<sup>۲</sup> و وی اس ای ال<sup>۳</sup>) امیدوار بودند که پیش از پرداخت کمیسیون به حساب نماینده‌ی سعودی در بانک سوییس، موفق شوند یک قرارداد فروش تسلیحات نظامی به عربستان سعودی را به دست آورند. این رشوه بین ۳ تا ۱۰ درصد، صدها میلیون پوند بود. چنین اعمالی تنها محدود به عربستان سعودی نبوده است:

«شرکت عظیم اسلحه‌سازی جی ای سی تایید کرد که با پرداخت همین مقدار کمیسیون در سال ۱۹۹۸، در ارتباط با یک معامله‌ی تسلیحاتی در لهستان موافقت کرده است. این کمیسیون معادل با ۱۰ درصد ارزش فروش به حساب بانکی واسطه‌های آبتکن واریز شده است.

در چنین شرایطی با ادعای لرد یانگ<sup>۴</sup> وزیر دولت طرفدار خصوصی‌سازی مارگرت تاچر مواجهیم که می‌گوید: «شما درباره‌ی بازپرداخت رشوه صحبت می‌کنید، درباره‌ی چیزی که در این کشور غیرقانونی است، و البته انجام آن در تصور هم نمی‌گنجد.»

فرانسه، پیشروی خصوصی‌سازی خدمات عمومی از طریق عقد قرارداد با پیمانکاران است. این سیستم منجر به گسترش ارتشا، بالا رفتن هزینه‌ی خدمات و تضعیف کنترل بر بخش خصوصی شده است. برای مثال در گرنوبل یک شهردار سابق و وزیر دولت به جرم گرفتن رشوه در سال ۱۹۹۶ از مدیر ارشد یک شرکت خصوصی خدمات آبرسانی به نام لیونه داو<sup>۵</sup> که اکنون به سوئز - لیونه تغییر نام داده برای واگذاری پروژه‌ی آب شهر، به زندان محکوم شد. در آنگولم<sup>۶</sup>، شهردار و وزیر سابق به خاطر رشوه گرفتن از شرکت‌هایی که در مزایده‌های خدمات عمومی شرکت کرده بودند - از جمله ژنرال داو<sup>۷</sup> که اکنون ویوندی<sup>۸</sup> نامیده می‌شود، به دو سال زندان محکوم شد. این مدیر

1. GEC.

3. VSEL.

5. Lyonnaise des Eaux.

7. General des Eaux.

2. Marconi.

4. Lord Young.

6. Angouleme.

8. Vivendy.

عامل به‌علت پرداخت رشوه به شهردار سنت دنی<sup>۱</sup> برای مورد مشابه نیز محکوم شده بود.

سوئز لیونه، ویوندی، وبویگ<sup>۲</sup>، بزرگ‌ترین شرکت‌های ساختمانی فرانسه، به‌جرم «همدستی در اختلاس اموال عمومی» مورد بازجویی قرار گرفتند. این شرکت‌ها بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶ برای کار ساختمانی مدارس منطقه‌ی ایل دو فرانس<sup>۳</sup> در اطراف پاریس کارتلی به‌راه انداخته و ۵۰۰ میلیون دلار قراردادهای مختلف را اجرا کردند. فعالیت آن‌ها شامل پرداخت سیستماتیک ۲ درصد پورسانت به‌مسوولان احزاب مهم منطقه بود و باعث یک فساد گسترده‌ی سیاسی می‌شد. مدیر یکی از شرکت‌ها بعدها به‌جرم پرداخت رشوه، فساد و کلاهبرداری مورد تعقیب قرار گرفت.

در اتریش، بلژیک، اسپانیا و ایتالیا نیز سیاستمداران برجسته‌ای از شرکت‌های مهم رشوه گرفته‌اند. در آلمان «سیستم غیرقانونی کسب قراردادهای بخش دولتی و یا افزایش قیمت این قراردادها وجود داشته است». در سال ۱۹۹۹ همه‌ی اعضای کمیسیون اروپا، بالاترین ارگان سیاسی اتحادیه‌ی اروپا، به‌علت افشای چندین افتضاح رشوه‌خواری و در نتیجه از دست دادن اعتماد سیاستمداران و مردم مجبور به‌استعفا شدند. یکی از این موارد قرارداد سالانه ۱۲ میلیون پوندی برای حفظ امنیت ساختمان اتحادیه‌ی اروپا در بروکسل بود که دفاتر کمیسیون اروپا را هم در برمی‌گرفت. طرف این قرارداد یک شرکت بخش خصوصی به‌نام گروپ فور سکیوریتاس<sup>۴</sup> بود. طبق گزارش خبرگزاری‌ها به‌ظاهر شرکت ذکر شده از طریق نفوذ، قرارداد را به‌دست آورده بود. این شرکت از پیشنهاد شرکت‌های رقیب خبر داشت و پیشنهاد خود را با در نظر گرفتن آن‌ها تنظیم کرده بود.

اقدام‌های صورت گرفته علیه این نوع ارتشا و رشوه‌خواری در بسیاری از اوقات ضعیف است. برای مثال با وجود محکومیت به‌زندانیان در فرانسه، شرکت‌های آب ذکر شده هنوز بیش از دو سوم صنعت آب کشور را در دست دارند. (هرچند برخی از نهادهای محلی توانستند آن‌ها را به‌مذاکره‌ی مجدد درباره‌ی این قراردادها مجبور سازند). در منطقه‌ی هس آلمان، تحریم قرارداد با ۶۰ شرکتی که به‌ارتشا و رشوه‌خواری

1. St-Denise.

2. Bouygues.

3. Ile-de-France.

4. Group 4 Securitas.

محکوم شده بودند به وسیله‌ی نهادهای محلی تنها شش ماه دوام آورد. مسوولان اداره‌ی دارایی منطقه در سال ۱۹۹۵ واکنش تندتری را درخواست کردند: رشوه‌خواری خودبه‌خود رخ نمی‌دهد. ارتشا از دفتر مدیران اجرایی شرکت‌های بخش خصوصی شروع می‌شود و برای مبارزه با آن اقدام‌های شدیدتر و پیگردهای قانونی جدی‌تری موردنیاز است. شرکت‌های فاسد نباید طرف قرارداد بخش عمومی قرار گیرند. شش ماه محرومیت بسیار کم است. دولت تاکنون کسانی را که رشوه می‌گیرند خیلی بیش‌تر از کسانی که رشوه می‌دهند زیر فشار قرار داده است:

در انگلستان سه شرکتی که در سال ۱۹۹۳ نامشان به‌مناسبت پرداخت ۱/۵ میلیون پوند رشوه به‌افسر وزارت دفاع برای بستن قرارداد اعلام شد، در لیست پیمانکاران تایید شده‌ی دولت باقی ماندند.

مصوبات اتحادیه‌ی اروپا در مورد خریدهای بخش عمومی به‌مسوولان مربوطه در همه‌ی کشورهای اروپایی این قدرت را می‌دهد که شرکت‌های محکوم به‌ارتشا و رشوه‌خواری را از مشارکت در مناقصه‌ها محروم کنند. اما شواهد اندکی دال بر استفاده از این قدرت دیده می‌شود.

بخش خصوصی نیز درگیر این نوع ارتشا در مواجهه با پیمانکاران خود، به‌ویژه در پروژه‌های بزرگ است. برای مثال شرکت ماشین‌سازی فولکس واگن آلمان رشوه‌دهی سیستماتیکی را کشف کرد که به‌وسیله‌ی شرکت‌های جست‌وجوگر قراردادهای ساختمانی پرسود صورت گرفته بود. رییس خرید کرایلر قراردادهای انحصاری را بدترین نوع می‌داند، چرا که در آنها «موقعیتی برای مقایسه پدید نمی‌آید». در برابر چنین موقعیت‌هایی شرکت جنرال موتور قوانین بسیار سخت اخلاقی برای کارکنان و عرضه‌کنندگان وضع کرده است: «کارکنان از پذیرش شرکت در هر میهمانی و دریافت هدیه‌ای منع شده‌اند. حتا دعوت برای بازی گلف از طرف پیمانکار در عمل یک ارتباط خطرناک محسوب می‌شود».

در اوایل سال ۱۹۹۱ در انگلستان بازرسان پلیس، شبکه‌ای از شرکت‌های چند ملیتی را در پشت رشوه‌های پیشنهاد شده به‌هیات ریسه‌ی شرکت نفت انگلیس مشخص



کردند. «محاكمات منجر به کشف یک سری از شرکت‌ها از جمله تایسن<sup>۱</sup>، مانسمان<sup>۲</sup>، سولزر<sup>۳</sup> و شرکت‌های غول‌پیکر تجاری ایتوچو<sup>۴</sup> و ماروبنی<sup>۵</sup> ژاپن شد. یکی از کارکنان ایتوچو با وجود پذیرش جرم از اتهام خیانت تبرئه شد. او گفت: در ایتوچو و سایر شرکت‌های ژاپنی پرداخت برای جوش دادن معامله رواج دارد. دادگاه اعلام کرد که این کارمند به آن چه عرف شرکت بوده عمل کرده است و هیچ حکمی در مورد او صادر نکرد. محاکمه‌ی مدیر عامل ماروبنی بعد از این که به قید ضمانت آزاد شد و به ژاپن پرواز کرد لغو شد. یکی از بزرگ‌ترین قراردادهای، قرارداد ۳۳/۵ میلیون پوندی برای جایگزینی لوله‌ی نفتی دهه‌ی چهل صادراتی بریتیش پترولیم بود که بخش فولادسازی تایسن، تایسن استیل یونیون، با پرداخت ۱/۴ میلیون پوند پورسانت آن را برد.

بریتیش پترولیم درخواست خسارت از افراد و شرکت‌ها از جمله تایسن و شرکت سویسی سولزر برای جبران خسارت‌های وارده کرد. سخنگوی بریتیش پترولیم گفت امیدوار است که: هم پولی را که عقیده دارند از دست داده‌اند جبران کنند و هم این پیام را به گوش بقیه برسانند که ما اجازه نخواهیم داد که دلالت با اطلاعات غیرقانونی در تجارت ما مداخله کنند.

### همکاران نویسنده و مترجم

خواهشمندیم مقاله‌های خود را با خطی خوانا، درشت، در یک روی کاغذ و با فاصله‌ی مناسب تهیه کنید و برای ما بفرستید. از فرستادن کپی ناخوانا خودداری کنید. مقاله‌های بدخط و نسخه‌های ناخوانا پذیرفته نخواهد شد. با سپاس

1. Thyssen.

2. Mannes-mann.

3. Sulzer.

4. Itochu.

5. Marubeni.